دکتر سید محسن میرطالبی، روانشناس مذهبی و استاد دانشگاه:

اعضای خانواده نظامیان با نگرشی جهادی تهدیدها را تبدیل به فرصت می‌کنند

بنابر فرمایش رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از فرماندهان عالی نیروهای مسلح در روز ۲۹ فروردین ماه امسال که فرمودند: «بار اصلی زحمات بر دوش همسران و فرزندان نیروهای مسلح است که سختی‌ها را تحمل می‌کنند» باید گفت: از جمله سختی‌هایی که این قشر از خانواده‌ها آن را تحمل می‌کنند استرس و نگرانی‌هایی است که به دلیل غیبت مرد خانواده بنابر شغلی که دارد رقم می‌خورد. استرس از مهم‌ترین ویژگی‌ی خانواده‌های نظامی است که آن را تحمل می‌کنند. این ویژگی به‌خصوص در دوران جنگ تحمیلی و در گیری‌های کشور سوریه بیشتر خود نمایی می‌کرد و به طور کلی می‌توان گفت شرایطی را در کشور داشته و داریم که خانواده‌های نظامی به عنوان یکی از مظلوم‌ترین خانواده‌ها در جامعه فعلی ما به شمار می‌روند و آن هم به دلیل شرایط شغلی پدر خانواده است که این استرس و نگرانی دائما در فضای خانواده موج می‌زند و لازم است این فضا مدیریت شود. دکتر سید محسن طالبی، روانشناس مذهبی و استاد دانشگاه معتقد است این استرس با نگرانی قابل انتقال است و اینکه بگوییم فقط یک فرد این شرایط را دارد و باید آن را تحمل کند نیست، این نگرانی در فضا و محیط خانواده به فرد یا افراد دیگر منتقل می‌شود و تنها یک نفر آن را تحمل نمی‌کند یعنی از مادر به فرزند یا فرزندان و به سایر اعضای خانواده سرایت می‌کند.

■ **نقش مادر در مدیریت و کنترل استرس**

طالبی با تأکید بر نقش مادر خانواده‌های نظامی و مدیریت آنها گفت: «مادران خانواده‌های نظامی نقش مهمی را در کنترل استرس‌های ایجاد شده دارند و می‌توانند این شرایط را مدیریت و اداره کنند. در بررسی‌ها و تحقیقات جامعه نظامی کشور، اکثر این مدیریت و اداره استرس در فضای خانواده بر اثر نبود پدر، توسط مادر انجام و اداره شده است. این مدیریت، شدت استرس را به حداقل خودش رسانده است و اگر استرس در فضای خانواده و به‌خصوص فضاهایی که افراد به صورت مداوم با آن سر و کار داشته و دارند مدیریت نشود تبدیل به استرس مزمن می‌شود این استرس مزمن هم در صورت عدم مدیریت می‌تواند علاوه بر آسیب‌های روحی، آسیب‌های جسمی مانند بیماری‌های روان تنی یعنی بیماری‌هایی که ظاهر آن مشکلات جسمی است ولی در باطن منشأ روحی و روانی دارد را ایجاد کند. مانند فشارخون و افزایش ناگهانی قندخون که ریشه در ظاهر جسمی دارد ولی منشأ آن روانی و ناشی از استرس‌های مزمن است. بیماری‌های PTSD یا استرس‌های پس از ضربه که معمولاً خانواده‌های نظامی درگیر این جریان هستند، بررسی‌ها نشان داده است ناشی از مشکلات، استرس‌ها، نگرانی‌های نسبت به فردی که غیبت دارد یا در مأموریت است می‌باشد.»

این روانشناس در ادامه گفت: «این مقدمات مطرح شد تا بدانیم در خانواده‌های نظامی که مورد تأکید حضرت آقا بوده و سال‌هاست شرایط سختی را تحمل می‌کنند، بیشترین فشار روی مادر و همسر آنهاست و آنها هستند که دارند تحمل و شرایط را کنترل می‌کنند تا کمترین آسیب برای دیگر اعضای خانواده ایجاد شود و این از جمله فداکاری‌هایی است که در همسران مردان نظامی دیده می‌شود.»

■ **تبدیل تهدیدها به فرصت**

وی با اشاره به اینکه بیشتر تهدیدها در خانواده‌های نظامی به فرصت تبدیل شده و این خصلت تنها در یک فضای فرهنگی و جامعه متدین و معتقد ایجاد می‌شود افزود: «نکته‌ای که باید گفت آن است که قاعدتاً این نگرانی و این استرس‌های دائمی و مزمن یک تهدید است ولی در فضای فرهنگی جامعه ما به عنوان جامعه‌ای بر پایه اعتقادات به فرصت تبدیل شده است. همچنین این شرایط باعث شده است انگیزه‌هایی ایجاد شود تا فشار روحی در خانواده ارحت‌تر تحمل شود چرا که به قول یک الگو از سوی مادر القا شود.»

■ **چای خالی جامعه نظامی در رسانه و نظام آموزشی**

میرطالبی در قدردانی از زحمات نظامیان و خانواده‌هایشان به نقش رسانه به‌خصوص رسانه ملی اشاره‌ای داشت و با گله از آموزش‌وپرورش در انعکاس این زحمات در کتب درسی گفت: «در قدردانی از زحمات نظامیان و خانواده‌هایشان نقش رسانه به خصوص رسانه‌ملی بسیار تأثیرگذار است. این زحمات و تلاش‌ها باید در قالب فیلم‌های مستند یا حتی سریال ساخته شود و افتخارات این مردان نظامی برای فرزندان و خانواده‌هایشان تکرار و به عنوان انرژی و نیرویی مضاعف به آنها تزریق شود. متأسفانه این مهم در سیستم نظام آموزش‌وپرورش ما هم مورد غفلت واقع شده است. از طرفی اگر هم اشاره‌ای به نقش و تلاش‌های بی‌حد آنها شود تنها مختص به فرماندهان است در حالی که جامعه نظامی جامعه‌ای وسیع است و می‌بایست در کتاب‌های درسی از زحمات این افراد قدردانی شود چرا که هم در رشد و تعالی همه دانش‌آموزان مؤثر و هم در کنترل استرس فرزندان نظامی اثرگذار است.»

■ **تفاوت تاب‌آوری خانواده‌های نظامی با دیگر خانواده‌ها**

وی در مقایسه تاب‌آوری خانواده‌های نظامی با دیگر خانواده‌ها گفت: «از نکته‌های حائز اهمیت، میزان تاب‌آوری خانواده‌های نظامی با دیگر خانواده‌هاست. چرا که ممکن است در سایر خانواده‌ها مشکلاتی از جمله، خانوادگی و اقتصادی وجود داشته باشد ولی این سؤال مطرح است که چرا تهدیدها در خانواده‌های نظامی تبدیل به فرصت می‌شود ولی در دیگر خانواده‌ها کمتر است یا اصلاً دیده نمی‌شود؟ در پاسخ باید گفت پذیرش شرایط و مشکلات از جمله دلایلی است که باعث تاب‌آوری می‌شود و تأثیرات منفی را به حداقل می‌رساند. خانواده‌های نظامی به دلیل پذیرش مشکلات حتی فداکاری هم می‌کنند و این مشکلات را لطمه و ضربه تلقی نکرده و نوعی حرکت و جهاد در نظر می‌گیرند چرا که معتقدند قطعاً تحمل این نوع از سختی در این دنیا بادانی خواهد داشت. نکته‌ای که جناب آقا در دیدار ۲۹ فروردین به آن اشاره کردند و فرمودند: «ضمن شناسایی استعدادها و نیروهای توانمند و خلاق به خداوند متعال حسن‌ظن داشته باشید و به او توکل کنید و بدانید که وعده خداوند در دفاع از مؤمنین حتمی و تخلف ناپذیر است.»

میرطالبی در آخر گفت: «در نهایت باید گفت اولین لطف خدا و دوم اعتقادات و سوم فعالیت‌های فرهنگی است که هم و شکیبایی را در خانواده‌های نظامی ثابت کرده و استرس و سختی‌های دیگر مدیریت و تحمل می‌شود در نتیجه این مدیریت رشد و تعالی فرزندان و دیگر اعضای خانواده را حاصل می‌کند.»

> **در خانواده‌های نظامی که مورد تأکید حضرت آقا بوده و سال‌هاست شرایط سختی را تحمل می‌کنند، بیشترین فشار روی مادر و همسر آنهاست و آنها هستند که دارند تحمل و شرایط را کنترل می‌کنند تا کمترین آسیب برای دیگر اعضای خانواده ایجاد شود و این از جمله فداکاری‌هایی است که در همسران مردان نظامی دیده می‌شود**

> **تربیت فرزندان بدون پدر سخت است ولی همسر شهید قاضی‌خانی معتقد است فرزندان باید آن را پذیرند و شرایط را درک کنند و بفهمند. خوب و بد را بشناسند و اگر فرزندی قرار است بدون سایه پدر، بزرگ شود باید یاد بگیرد چطور با مشکلات دست و پنجه نرم کند، خودساخته شود**

این خانواده همیشه در «آماده‌باش» است!

حسین گل‌محمدی

آنان یک لحظه آرامش ندارند، زیرا تمام روزها و شب‌های زندگی‌شان وقف آرامش دیگران است. نیروهای نظامی و انتظامی را می‌گویم. همانانی که حفظ تمامیت ارضی و دفاع از حریم این مرز و بوم در برابر دشمنان، صیانت از امنیت جامعه در برابر تمام آسیب‌ها و هجمه‌های داخلی و خارجی، مواظبت از نظم و نظام زندگی آحاد مردم، بر عهده‌شان است و در این مسیر سوگند خورده‌اند تا پای جان ایستادگی کنند. اما از انصاف به دور است اگر سهم جهاد و ایثار مادران و همسران، خواهران و فرزندان این مردان در دیار کلام، خانواده مردان میدان جنگ و دفاع، رزم و نظم، امنیت و حمیت را نادیده بگیریم و انگشت تحسین خود را به سوی آنان نشانه نگیریم. همسر و فرزندی که با واژه‌ای مأمورت و آماده‌باش نه تنها آشنا هستند بلکه معنای آن را با گوشت و پوست خود و با تمام وجود، حس و درک کرده‌اند. از این روست که رهبر فرزانه انقلاب در دیدار اخیر خود برای چندمین بار در گرامیداشت نقش ارزنده خانواده معزز نیروهای مسلح تأکید کردند و فرمودند: «بار اصلی زحمات بر دوش همسران و فرزندان نیروهای مسلح است که سختی‌ها را تحمل می‌کنند.»

بی‌تردید یکایک اعضای خانواده این مردان شیعه‌اند چو هجو خود آنان همیشه «آماده‌باش» هستند؛ آماده برای هر خبری و هر اتفاقی. و جودشان را غنیمت شمارم و قدرشان را بدانیم.

دکتر امیرسرتیپ دوم مجتبی جعفری، پژوهشگر و نویسنده جنگ:

استقامت در مأموریت‌های نظامی را مرهون صبر و همراهی همسر و فرزندان هستیم

در شغل نظامیان الزامانی وجود دارد که گاهی اوقات اجرای این الزامات از نظر رفتارهای اجتماعی در ذهن مردم عادی شیهاتی را ایجاد می‌کند. اما بهتر است آنها بدانند که اگر این الزامات نبود، عنوان نظامی برای کارکنان نیروهای مسلح بی‌معنا بود. گذشته از این، نقش خانواده‌های نیروهای مسلح در تحمل فراز و نشیب‌های زندگی با توجه به شرایط خاص کاری و مأموریت‌های مختلف به خاطر حضور در میادین جنگ و نیازهای روز کشور قابل توجه است که اگر این سختی‌ها مدیریت نمی‌شد امروز در عرصه‌های مختلف جهاد به این اندازه موفق و پیروز نبودیم. مجتبی جعفری متولد چهارم اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۹ نویسنده و پژوهشگر دفاع مقدس است. علاوه بر حضور در جبهه‌های مختلف عملیاتی تا کنون ۱۰۳ جلد تقویم تاریخ دفاع مقدس با مدیریت وی تدوین شده است. او دکترای فرماندهی عملیات مشترک و مرکب در دافوس را دارد. ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۸ با پوشیدن لباس نظامی ارتش، برای خدمت به کشور و امنیت این مرز و بوم در دانشکده افسری نیروی زمینی مشغول شد. همزمان با فارغ‌التحصیلی و کسب درجه ستوان دومی، زندگی مشترک خود را با خانم مهری حاج حسن آغاز کرد و در همان ابتدای زندگی برای گذران دوره مقدماتی همراه همسر راهی شیراز شد. با اتمام این دوره اولین حضورش در جبهه‌ها رقم خورد و مانند دیگر ارتشی‌ها، بسته به وضعیت مناطق عملیاتی در مأموریت‌های یک ماهه تا ۵۰ روزه، ۱۲۱۰ روز به مرخصی و دیدار با خانواده می‌رفت. این کار هر ماه یا هر دو ماه یکبار تکرار می‌شد تا سال ۱۳۶۷ که همراه برادر اسیر شد و این اسارت به مدت دو سال طول کشید تا اینکه سال ۶۹ با آخرین گروه‌های آزادگان به وطن بازگشت. وی بعد از آزادی و پایان جنگ همچنان در لباس خدمت مانده است و برای ارتشی نیرو در مأموریت‌های مختلف برای گسترش دوره‌های آموزشی، میدانی دانشجویان دانشگاه افسری از تنش در مناطق عملیاتی به سر می‌برد. او یکی از علت‌های حضور پررنگ در عرصه‌های مختلف جهاد و مناطق عملیاتی را وجود همسرش می‌داند و می‌گوید اگر همسرم نبود نمی‌توانستم حضوری جدی و بدون دغدغه در مناطق جنگی داشته باشم. او و فرزندانم در استقامت جنگیدن و انجام مأموریت‌ها با من سهیم بوده و برایم پشتوانه محکمی هستند. متن زیر حاصل هم کلامی‌مان با وی است که پیش‌روی دارید.

زندگی یک نظامی بنابه شغل و شرایط شغلی که دارد با چالش‌هایی روبه‌روست. آیا این چالش‌ها روی زندگی خانوادگی آنها اثرگذار است یا خیر؟

اثرگذار است اما نه تنها اثر منفی ندارد بلکه برای شخص نظامی یا خانواده‌ی وی این امکان را فراهم می‌کند که تبدیل به فرصت شود و از آنها استفاده کنند. البته خیلی سخت است بگویم خانواده و زندگی‌هایی چالش‌ایمیز است اما بیشتر دلایلی است که باعث تاب‌آوری می‌شود و تأثیرات منفی را به حداقل می‌رساند. خانواده‌های نظامی به دلیل پذیرش مشکلات حتی فداکاری هم می‌کنند و این مشکلات را لطمه و ضربه تلقی نکرده و نوعی حرکت و جهاد در نظر می‌گیرند چراکه معتقدند قطعاً تحمل این نوع از سختی در این دنیا بادانی خواهد داشت. نکته‌ای که جناب آقا در دیدار ۲۹ فروردین به آن اشاره کردند و فرمودند: «ضمن شناسایی استعدادها و نیروهای توانمند و خلاق به خداوند متعال حسن‌ظن داشته باشید و به او توکل کنید و بدانید که وعده خداوند در دفاع از مؤمنین حتمی و تخلف ناپذیر است.»

میرطالبی در آخر گفت: «در نهایت باید گفت اولین لطف خدا و دوم اعتقادات و سوم فعالیت‌های فرهنگی است که هم و شکیبایی را در خانواده‌های نظامی ثابت کرده و استرس و سختی‌های دیگر مدیریت و تحمل می‌شود در نتیجه این مدیریت رشد و تعالی فرزندان و دیگر اعضای خانواده را حاصل می‌کند.»

شده است؟

به جرأت می‌گویم وجود همسرم، اگر در جایگاه فرمانده گروهان در جبهه و میدان جنگ دغدغه‌ای نداشتم و وظایفم را به خوبی انجام دادم‌ام به خاطر تاب‌آوری‌های همسرم بوده است. اگر او با نامه و تلفن‌های محدود از زمان، مدام گله می‌کرد و می‌خواست برگردم و بالای سر بچه‌هایش باشم، دیگر مرد جنگ نمی‌ماندم و نمی‌توانستم ادامه دهم. دقت همسرم بود که به لطف خدا و همت او دو فرزند بسیار موفق و سالم هم به لحاظ جسمی و هم به لحاظ رفتار اجتماعی دارم و از این بابت خدا را شاکرم.

به نظر شما انعکاس ابعاد تربیتی زندگی مشترک پرسنل نیروهای مسلح چگونه است؟

گفتنیم که خانواده‌ها، مخصوصاً همسران پرسنل نیروهای مسلح، نقش بسیار مهمی در حفظ سلامت خانواده بی‌بدیل است. باید از مادران قهرمان تقدیر شود و برای آنها بزرگداشتی گرفته شود. ولی آنطور که باید و شاید انجام نشده است. این همسران در گمنامی همان چارچوب خانه خودشان، کارشان را انجام داده‌اند و هیچ انتشاری برای انعکاس انجام خوب و شایسته مسئولیت‌شان انجام نشده است. آنها توقع و شکایتی ندارند ولی لازم است صدوسیما، رونامه‌ها و نویسندگان این موارد را به تفسیر بکشند تا سرمشقی برای دیگر خانواده‌ها باشد. باید بدانند و باور بگیرند می‌شود با نبود دلمی یک پدر، مسئولیت فرزندان را گرد نرود و سلامت خانواده را نیز ضمانت کند.

نگاه مردم به نظامیان ناگهی سختگیرانه است.

پس در نبود شما پدران نظامی، نقش همسرتان در تربیت فرزندان به لحاظ جسمی و رفتار اجتماعی تأثیرگذار است؟

بله حتماً می‌دانیم برای تربیت فرزندان به‌خصوص فرزند پسر افتدار و ابهت پدر لازم است و می‌تواند نقش بسیار خوبی برای تربیت او داشته باشد. حالا اگر او احساس کند، پدر دیر به دیر می‌آید و یا دو کنترل حضوری و مستقیم ندارد به هر حال راحت‌تر می‌تواند وارد تعاملات جوانی و نوجوانی شود. اینجا نقش مادر است که بر جرئت او نمایان می‌شود، اگر همسر او باشد و هم مادر، با توانند بچه‌ها را تربیت کند. قبلاً هم اشاره شد، زندگی نظامیان بی‌چالش نبوده

زندگی یک نظامی سختی‌هایی دارد که اغلب مردم آن را در نبود مردان خانواده به دلیل مأموریت‌های شغلی می‌بینند. کدام قسمت از برای تان سخت‌تر بود؟

دوست داشتم روزهای جنگ را پاک کنم. سخت‌ترین لحظات این سال‌ها، هنوز هم وقتی یادش می‌افتم گریه‌ام می‌گیرد. مارش جنگ که زده می‌شد و خبر حمله را هم می‌شنیدم، تنم می‌لرزید. از پدر، مادر، برخشوهر و مادر شوهرم که در آن نبودن‌های شوهرم کمک حالم بودند تشکر می‌کنم اما احساس می‌کردم تنها بعد از خدا به احتیاج دارم و باید خودش کنارم باشد و هیچ‌کس جبران نبودن‌هایش را نمی‌کند.

افراد نظامی روحیه سختگیرانه‌ای دارند. آیا این خصوصیت اخلاقی در فرزندان دیده می‌شود؟ همسر و فرزندانتان را اذیت نمی‌کند؟

سختگیر بوده و است. ولی طوری نبوده که ما را اذیت کند. یکی از خصوصیت‌های اخلاقی‌اش نظم و وقت‌شناسی است. به طور مثال عادت دارد سر ساعت بخواید اما نظرش را تحمیل نمی‌کند. حالا که نوه‌دار شده‌ایم، گاهی پیش می‌آید نوه‌ها به اتاقش می‌روند و نمی‌گذارند او بخوابد. او هم به‌خاطر نمی‌کند و با خنده بیرون می‌آید و با آنها بازی می‌کند. روابطش با بچه‌ها طوری خاب بود و هنوز هم به سنه و خوب است. فقط روی زمان اول وقت حساسیت داشت که به لطف خدا بچه‌ها هم به تعداد اول وقت اهمیت می‌دادند. با اینکه تعداد روزهایی که به خانه می‌آمد انگشت شمار بود اما سعی می‌کرد با همسر و سر زدن به پدر و مادر را در برنامه داشته باشد و به آن اهمیت بدهد.

برای ما درباره یکی از شاخص‌های اخلاقی وی صحبت کنید.

وقت کارهایش را با ساعت اذان هماهنگ می‌کند. این اخلاق همسرم خیلی برایم زیباست. وقتی به خوشنگی‌ام آمد، قبول کردم و زندگی مشترک‌مان آغاز شد، چون از همان ابتدا از نظم و مقررات ارتشی‌ها خوشم می‌آمد و دوست داشتم با یک ارتشی ازدواج کنم. فراز و نشیب زندگی با یک نظامی بر کسی پوشیده نیست. اما محسناتی دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. از جمله شغل ابرومندانه و شرافتمندانه. همچنین رزق حلالی که سر سفره و خانواده‌ی ما می‌آورند. صداقت و روراستی‌شان هم قابل تحسین است. در این سال‌های زندگی مشترک، حتی یک کلمه دروغ و غیبت از شوهرم نشنیدم. همه این محسنات اخلاقی ماید افتخار است. اما با همه‌ی نعمات از اول وقت خیلی برایم با ارزش است. طوری که وقتی مسافرت می‌رویم او ساعت نمی‌داند و نمی‌پرسد، چون همه کارها را با ساعت اذان هماهنگ می‌کند. مثلاً وقتی اذان ظهر گفته می‌شود در محل مناسبی توقف می‌کند و می‌گوید باید نماز بخوانیم. بعد غذا می‌خوریم و کمی استراحت.

خاطره‌ای از سال‌های نبودن همسرتان دارید؟

خاطره زیاد دارم. اما یکی از خاطراتی که خیلی مرا غمگین می‌کرد زمانی بود که بچه‌ها در نبود پدرشان به دلیل مأموریت‌های نظامی سر کعد لباس‌هایش می‌افتند و آستین لباس‌های او را بو می‌کردند و می‌گفتند بوی بابا را می‌دهد. وقتی دلتنگی‌های مرا می‌دیدند می‌گفتند مادر تو هم بیا و لباس‌های بابا را بو کن.

نگاه مردم به شما و همسرتان به عنوان یک خانواده نظامی چگونه است؟

در این سال‌ها هر کس متوجه می‌شود شوهرم ارتشی است مرا تحسین و از شوهرم تعریف می‌کند. تا حالا سرزنش و طعنه‌ای نشنیدم. فقط چند بار که می‌گفتند بوی بابا را می‌دهد. وقتی دلتنگی‌های مرا می‌دیدند می‌گفتند مادر تو هم بیا و لباس‌های بابا را بو کن.

نگاه مردم به شما و همسرتان به عنوان یک خانواده نظامی چگونه است؟

در این سال‌ها هر کس متوجه می‌شود شوهرم ارتشی است مرا تحسین و از شوهرم تعریف می‌کند. تا حالا سرزنش و طعنه‌ای نشنیدم. فقط چند بار که می‌گفتند بوی بابا را می‌دهد. وقتی دلتنگی‌های مرا می‌دیدند می‌گفتند مادر تو هم بیا و لباس‌های بابا را بو کن.

اگر در جایگاه فرمانده گروهان در جبهه و میدان جنگ دغدغه‌ای نداشتم و وظایفم را به خوبی انجام داده‌ام به خاطر تاب‌آوری‌های همسرم بوده است. اگر او با نامه و تلفن‌های محدود آن زمان، مدام گله می‌کرد و می‌خواست برگردم و بالای سر بچه‌ها باشم، دیگر مرد جنگ نمی‌ماندم و نمی‌توانستم ادامه دهم. قطعاً سهم خانواده‌ها و فرزندان در استقامت جنگیدن در زمان جنگ و انجام مأموریت‌ها متفاوت در زمان فعلی، اجتماعی دارم و از این بابت خدا را شاکرم.

به نظر شما انعکاس ابعاد تربیتی زندگی مشترک پرسنل نیروهای مسلح چگونه است؟

گفتنیم که خانواده‌ها، مخصوصاً همسران پرسنل نیروهای مسلح، نقش بسیار مهمی در حفظ سلامت خانواده بی‌بدیل است. باید از مادران قهرمان تقدیر شود و برای آنها بزرگداشتی گرفته شود. ولی آنطور که باید و شاید انجام نشده است. این همسران در گمنامی همان چارچوب خانه خودشان، کارشان را انجام داده‌اند و هیچ انتشاری برای انعکاس انجام خوب و شایسته مسئولیت‌شان انجام نشده است. آنها توقع و شکایتی ندارند ولی لازم است صدوسیما، رونامه‌ها و نویسندگان این موارد را به تفسیر بکشند تا سرمشقی برای دیگر خانواده‌ها باشد. باید بدانند و باور بگیرند می‌شود با نبود دلمی یک پدر، مسئولیت فرزندان را گرد نرود و سلامت خانواده را نیز ضمانت کند.

نگاه مردم به نظامیان ناگهی سختگیرانه است.

پس در نبود شما پدران نظامی، نقش همسرتان در تربیت فرزندان به لحاظ جسمی و رفتار اجتماعی تأثیرگذار است؟

بله حتماً می‌دانیم برای تربیت فرزندان به‌خصوص فرزند پسر افتدار و ابهت پدر لازم است و می‌تواند نقش بسیار خوبی برای تربیت او داشته باشد. حالا اگر او احساس کند، پدر دیر به دیر می‌آید و یا دو کنترل حضوری و مستقیم ندارد به هر حال راحت‌تر می‌تواند وارد تعاملات جوانی و نوجوانی شود. اینجا نقش مادر است که بر جرئت او نمایان می‌شود، اگر همسر او باشد و هم مادر، با توانند بچه‌ها را تربیت کند. قبلاً هم اشاره شد، زندگی نظامیان بی‌چالش نبوده

بانو مهری حاج‌حسن، همسر امیرسرتیپ دوم پاسدار مجتبی جعفری:

دلتنگ پدر خانواده که می‌شدیم لباس‌هایش را بو می‌کردیم

بعد از هم کلامی با امیرسرتیپ دوم پاسدار مجتبی جعفری با همسرش خانم مهری حاج حسن وارد گفت و گو شدیم تا صحبت‌های او را هم درباره زندگی مشترک بشنویم. از سختی‌ها، از فراز و نشیب‌ها و از تلخی‌ها و شیرینی‌ها. او متولد ۱۳۴۵ است. با تلاش‌های مادرانه، در نبودن‌های طولانی پدر، یک مهندس و یک دندانپزشک را تحویل جامعه داده است. دو فرزندی که به شکل دیگری از خدمت ادامه دهنده‌ه اه پدر و خدمتگزار کشور و مردم هستند. پسرش متولد ۶۲ فوق‌لیسانس کامپیوتر و دخترش متولد ۶۴ دندانپزشک است. حر و آنها ازدواج کرده‌اند و هر کدام صاحب دو فرزند هستند. متن زیر حاصل گفت‌وگو با این همسر فداکار است که می‌خوانید.

زندگی با یک نظامی سختی‌هایی دارد که اغلب مردم آن را در نبود مردان خانواده به دلیل مأموریت‌های شغلی می‌بینند. کدام قسمت از برای تان سخت‌تر بود؟

پسر بوسیه: «هامان پس مردان جنگی همیشه خشن و عصبانی نیستند. من فکر می‌کردم آنها با بچه‌های خودشان هم خشونت دارند.» مادر گفت: «پسرم یک مرد در برابر ظلم و خوی شیطانی خشن است و ساکت نمی‌نشیند. اگر کسی را مزاحم حرم و حریم که می‌شنید، تنم می‌لرزید. از پدر، مادر، برخشوهر و مادر شوهرم که در آن نبودن‌های شوهرم کمک حالم بودند تشکر می‌کنم اما احساس می‌کردم تنها بعد از خدا به احتیاج دارم و باید خودش کنارم باشد و هیچ‌کس جبران نبودن‌هایش را نمی‌کند.

افراد نظامی روحیه سختگیرانه‌ای دارند. آیا این خصوصیت اخلاقی در فرزندان دیده می‌شود؟ همسر و فرزندانتان را اذیت نمی‌کند؟

سختگیر بوده و است. ولی طوری نبوده که ما را اذیت کند. یکی از خصوصیت‌های اخلاقی‌اش نظم و وقت‌شناسی است. به طور مثال عادت دارد سر ساعت بخواید اما نظرش را تحمیل نمی‌کند. حالا که نوه‌دار شده‌ایم، گاهی پیش می‌آید نوه‌ها به اتاقش می‌روند و نمی‌گذارند او بخوابد. او هم به‌خاطر نمی‌کند و با خنده بیرون می‌آید و با آنها بازی می‌کند. روابطش با بچه‌ها طوری خاب بود و هنوز هم به سنه و خوب است. فقط روی زمان اول وقت حساسیت داشت که به لطف خدا بچه‌ها هم به تعداد اول وقت اهمیت می‌دادند. با اینکه تعداد روزهایی که به خانه می‌آمد انگشت شمار بود اما سعی می‌کرد با همسر و سر زدن به پدر و مادر را در برنامه داشته باشد و به آن اهمیت بدهد.

برای ما درباره یکی از شاخص‌های اخلاقی وی صحبت کنید.

وقت کارهایش را با ساعت اذان هماهنگ می‌کند. این اخلاق همسرم خیلی برایم زیباست. وقتی به خوشنگی‌ام آمد، قبول کردم و زندگی مشترک‌مان آغاز شد، چون از همان ابتدا از نظم و مقررات ارتشی‌ها خوشم می‌آمد و دوست داشتم با یک ارتشی ازدواج کنم. فراز و نشیب زندگی با یک نظامی بر کسی پوشیده نیست. اما محسناتی دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. از جمله شغل ابرومندانه و شرافتمندانه. همچنین رزق حلالی که سر سفره و خانواده‌ی ما می‌آورند. صداقت و روراستی‌شان هم قابل تحسین است. در این سال‌های زندگی مشترک، حتی یک کلمه دروغ و غیبت از شوهرم نشنیدم. همه این محسنات اخلاقی ماید افتخار است. اما با همه‌ی نعمات از اول وقت خیلی برایم با ارزش است. طوری که وقتی مسافرت می‌رویم او ساعت نمی‌داند و نمی‌پرسد، چون همه کارها را با ساعت اذان هماهنگ می‌کند. مثلاً وقتی اذان ظهر گفته می‌شود در محل مناسبی توقف می‌کند و می‌گوید باید نماز بخوانیم. بعد غذا می‌خوریم و کمی استراحت.

خاطره‌ای از سال‌های نبودن همسرتان دارید؟

خاطره زیاد دارم. اما یکی از خاطراتی که خیلی مرا غمگین می‌کرد زمانی بود که بچه‌ها در نبود پدرشان به دلیل مأموریت‌های نظامی سر کعد لباس‌هایش می‌افتند و آستین لباس‌های او را بو می‌کردند و می‌گفتند بوی بابا را می‌دهد. وقتی دلتنگی‌های مرا می‌دیدند می‌گفتند مادر تو هم بیا و لباس‌های بابا را بو کن.

نگاه مردم به شما و همسرتان به عنوان یک خانواده نظامی چگونه است؟

در این سال‌ها هر کس متوجه می‌شود شوهرم ارتشی است مرا تحسین و از شوهرم تعریف می‌کند. تا حالا سرزنش و طعنه‌ای نشنیدم. فقط چند بار که می‌گفتند بوی بابا را می‌دهد. وقتی دلتنگی‌های مرا می‌دیدند می‌گفتند مادر تو هم بیا و لباس‌های بابا را بو کن.

نگاه مردم به شما و همسرتان به عنوان یک خانواده نظامی چگونه است؟

در این سال‌ها هر کس متوجه می‌شود شوهرم ارتشی است مرا تحسین و از شوهرم تعریف می‌کند. تا حالا سرزنش و طعنه‌ای نشنیدم. فقط چند بار که می‌گفتند بوی بابا را می‌دهد. وقتی دلتنگی‌های مرا می‌دیدند می‌گفتند مادر تو هم بیا و لباس‌های بابا را بو کن.

اگر در جایگاه فرمانده گروهان در جبهه و میدان جنگ دغدغه‌ای نداشتم و وظایفم را به خوبی انجام داده‌ام به خاطر تاب‌آوری‌های همسرم بوده است. اگر او با نامه و تلفن‌های محدود آن زمان، مدام گله می‌کرد و می‌خواست برگردم و بالای سر بچه‌ها باشم، دیگر مرد جنگ نمی‌ماندم و نمی‌توانستم ادامه دهم. قطعاً سهم خانواده‌ها و فرزندان در استقامت جنگیدن در زمان جنگ و انجام مأموریت‌ها متفاوت در زمان فعلی، اجتماعی دارم و از این بابت خدا را شاکرم.

به نظر شما انعکاس ابعاد تربیتی زندگی مشترک پرسنل نیروهای مسلح چگونه است؟

گفتنیم که خانواده‌ها، مخصوصاً همسران پرسنل نیروهای مسلح، نقش بسیار مهمی در حفظ سلامت خانواده بی‌بدیل است. باید از مادران قهرمان تقدیر شود و برای آنها بزرگداشتی گرفته شود. ولی آنطور که باید و شاید انجام نشده است. این همسران در گمنامی همان چارچوب خانه خودشان، کارشان را انجام داده‌اند و هیچ انتشاری برای انعکاس انجام خوب و شایسته مسئولیت‌شان انجام نشده است. آنها توقع و شکایتی ندارند ولی لازم است صدوسیما، رونامه‌ها و نویسندگان این موارد را به تفسیر بکشند تا سرمشقی برای دیگر خانواده‌ها باشد. باید بدانند و باور بگیرند می‌شود با نبود دلمی یک پدر، مسئولیت فرزندان را گرد نرود و سلامت خانواده را نیز ضمانت کند.

نگاه مردم به نظامیان ناگهی سختگیرانه است.

پس در نبود شما پدران نظامی، نقش همسرتان در تربیت فرزندان به لحاظ جسمی و رفتار اجتماعی تأثیرگذار است؟

بله حتماً می‌دانیم برای تربیت فرزندان به‌خصوص فرزند پسر افتدار و ابهت پدر لازم است و می‌تواند نقش بسیار خوبی برای تربیت او داشته باشد. حالا اگر او احساس کند، پدر دیر به دیر می‌آید و یا دو کنترل حضوری و مستقیم ندارد به هر حال راحت‌تر می‌تواند وارد تعاملات جوانی و نوجوانی شود. اینجا نقش مادر است که بر جرئت او نمایان می‌شود، اگر همسر او باشد و هم مادر، با توانند بچه‌ها را تربیت کند. قبلاً هم اشاره شد، زندگی نظامیان بی‌چالش نبوده

فاطمه قاضی‌خانی، همسر شهید مدافع حرم مهدی قاضی‌خانی:

هنوز هم چرخ زندگی‌مان را شهید می‌چرخاند

فاطمه قاضی‌خانی همسر شهیدمهدی قاضی‌خانی از شهدای مدافع حرم است. متولد ۱۳۶۶ و اهل همدان است. نشانه فامیلی او با شهید به نام نسبت فامیلی، بلکه تعلق جغرافیایی و محلی است. ازدواج‌شان سال ۱۳۸۵ با وساطت یک برادر شهید در روز سالگرد ازدواج حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) رقم می‌خورد و حاصل این زندگی مشترک دو پسر به نام‌های محمدمهدی، محمدیاسین و یک دختر به نام نهال است. محمدمهدی شش‌ساله بود و محمدیاسین شیرخوار. نهال هم سه‌ساله که پدر در دومین اعزام به سوریه به در شهر حلب در تاریخ ۹۴/۹/۱۶ آسمانی شد. از آن به بعد دیدار فرزندان به همراه مادر هر شب جمعه در امامزاده یحیی زیبده قرچک بر سر مزار شهید، تازه می‌شود. فاطمه می‌گوید: «شوهرم داوطلبانه راهی سوریه شد و وقتی اولین بار از تصمیم او برای رفتن به سوریه باخبر شدم مخالفت کردم. ولی این مخالفت و سختگیری‌ها با صحبت‌های شوهرم و به میان آمدن اعتقادات و ایمان راسخ، کم‌کم رنگ باخت. تا اینکه رضایت قلبی برای اعزام شوهرم به میدان جنگ امضا شد.»

■ **پای اعتقادات که به میان آمد راضی به رفتن شدم**

او می‌گفت: «فکر دل کندن از شوهر جوان و فکر اینکه اگر برایش اتفاقی بیفتد آیا وقت در این شهر غریب چه کنم، برایم سخت بود. هزاران فکر دیگر به سرم می‌زد و این افکار مرا کلافه کرده بود تا اینکه این آشفتگی با صحبت‌های دلنشین مهدی رو و سامان گرفت. او قول داد اگر شهید شد مرا شفاعت کند. غیر از قول مهدی، وقتی پای اعتقاداتم به میان آمد، با خودم گفتم: فاطمه! مجبور از بی‌بی زینب(س) دم می‌زنی، ولی مخالف دف